جهان سینما (فیلم های تاثیرگذار)

شاید تصورش سخت باشد که فیلمی بخواهد دنیا و آدم ها را عوض کند. هرچند که بیشتر فیلم ها، تولید انبوه سرگرمی و فرار از واقعیت هستند، اما هستند فیلم هایی که تاثیرعمیقی بر فرهنگ گذاشته باشند، برخی از فیلم ها نیز موجب طرح مسایل اجتماعی شدند و روی قوانین تاثیر نهاده اند، ایدئولوژی را چه خوب یا بد مطرح کردند و در مجموع با تاثیر گذاشتن در جامعه باعث عوض شدن مسیرتاریخ شدند. به چند فیلمی که چنین تاثیری چه در جهت مثبت یا منفی داشته اند اشاره می کنیم:

۲. خط باریک آبی : هرچند تشخیص میزان تاثیر گذاری فیلم های این لست سخت است اما اروال موریس، کارگردان مستند « خط باریک آبی» حداقل توانست در زندگی یک مرد تغییر ایجاد کند. این فیلم که در سال ۱۹۹۸ به نمایش درآمد، به زندگی مردی (راندال دیل آدامز) می پردازد که به خاطر قتل یک افسرپلیس اهل دالاس اشتباها به اعدام محکوم شد. موریس با مدارک و شواهد نشان داد شهادت شاهدان عینی غیرقابل اعتماد است و دیگر شاهدان حاضر در دادگاه شهادت دروغ داده اند. پس از نمایش فیلم، آدامز در محاکمه مجدد از اتهام قتل تبرئه و آزاد شد.

گپ و گفت بهدادرضایی و سهراب سعیدی

بهداد رضایی

بهداد: سهراب سعیدی، مولف برتر جوان کشور درسال ۸۹ و کارشناس زبان و ادبیات فارسی در شهرستان میناب هستند. با وی به گفت و گو نشستیم. سعیدی از خود می گوید:

سهراب: سهراب سعیدی هستم در مهر ماه ۱۳۵۸در خانواده ای ساده و زلال اندیش در روستای محمودی میناب به دنیا آمدم ، و دارای مدرک کارشناسی ارشد ادبیات فارسی. من ۳۱ ساله هستم ، دبیر آموزش و پرورش میناب ، مدتی هم سرپرست دانشگاه پیام نور سیریک بودم و خدایم را شکر می کنم که یک فرهنگی هستم ؛ یک فرهنگی آزاد و آزاده و مشغول به تدریس و تألف و پژوهش ونوشتن کتاب و مقاله سابقه‌ی تدریس در دانشگاه آزاد میناب و جزیره‌ی هرمز، آموزشکده‌ی فنی وحرفه‌ای میناب ، مدرس دانشگاه پیام نور سیریک و بندرعباس را دارم، و هم اینک نیز افتخار دارم تا در خدمت دانش آموزان مقطع متوسطه شهرستان میناب باشم .

من معاون دبیرستان معلم میناب و مدتی هم سرپرست دانشگاه پیام نور واحد شهرستان سیریک بودم ، ولی هیچ چیز به جز دنیای رازناک پژوهش وتألیف ذهنم جستجوگرم را ارضاء نخواهد کرد ، چون دنیای تألیف دنیای آرامش است وآگاهی ، دنیایی که فاقد تکرار است و لبریز است از نو آوری و دانستن ، دنیایی که به آدمی می آموزد که بیاموزد ، پس این دنیای (دنیای نویسندگی) با هیچ چیزی قابل مقایسه نیست .

بهداد: از سهراب می خواهم تا از چگونگی گرایش خود به وادی پژوهش و تحقیق بگوید. از اولین تلنگر و جرقه پژوهش و تحقیق در مورد میناب بگویید؟چطور شد شروع به تألیف کتاب کردید؟

سهراب: در دوران تحصیلی خود همیشه در ذهن داشتم که زوایایی مبهم تاریخ و فرهنگ شهر و استانم را آشکار کنم چرا که تأسف می خوردم از این که در مورد میناب تا آن زمان پژوهش و کار فرهنگی منسجمی انجام نشده بود پس این شد که برای پاسداشت و نگهداری از فرهنگ میناب و استان هرمزگان از سال ۸۰ به پژوهش های میدانی در ارتباط با فرهنگ وتمامی مظاهر فرهنگ بومی محلی روی آوردم.

بهداد: سهراب سعیدی دارای تالیفات متعددی است شامل: فرهنگ مردم میناب، لالایی، بازی‌ها وسرگرمی‌های میناب، صنایع دستی و پنج شنبه بازار میناب، قصه‌ها و افسانه‌های مردم هرمزگان، تاریخ ادبیات میناب، چیستان های هرمزگان، رخش بی‌سوار (مجموعه نوحه‌های شاعران میناب)، ترانه‌های چوپان، سوگواره ها (مجموعه نوحه‌های رایج در هرمزگان)، باورها و عقاید مردم هرمزگان، شیرین‌تر از قند و...چند کتاب دیگر نیز آماده ی چاپ دارم که به این موارد می توان اشاره نمود : از رودکی تا بهمنی ، روزهای بی تو، چیچکای بپ گپو (مجموعه ی قصه) ، تعزیه خوانی در میناب ، باورها و عقاید مردم هرمزگان ، ادبیات کودکان هرمزگان ، ادبیات کودکان ایران ، بررسی ضرب المثل های مردم هرمزگان و...

سهراب از عدم حمایت نسبت به کارهای فرهنگی گله مند است و چنین می گوید: در میناب علم و دانش ، تألف و پژوهش و در کل همه ی امور بر محور سیاست می چرخد ، سیاستی که چندین سال است ریشه میناب را خشکانده است و هر روز میناب را به سوی عقب ماندگی می کشاند ، چه کسی باور می کند اولین شهر استان در قدیم و دومین شهر استان در حال حاضر عقب مانده ترین شهر هرمزگان و یا ایران باشد ، کاش سیاست ریشه ی میناب را نمی سوزاند و حسادت ها در این شهر در یک جایی به بن بست می رسید و تمام میناییان برای ساختن این شهر پر پیشینه و کهن با هم متحد می شدند ، ولی کجا؟ و باید همچنان افسوس خورد. و اما بعد، در میناب کوه اورست را برای اولین بار فتح هم کرده باشی و یا پهلوانی چون رستم و یا تختی و یا شاعری چون فردوسی باشی اگه جزء یک گروه خاص سیاسی نباشی از ت حمایت که نه، بلکه زیر پا لهت می کنندو همین شده که اکثر نخبگان میناب از این شهر فرار را بر قرار ترجیح دادند وآن نخبگانی که این حرف ها را می خوانند حتما بعلت تأیید حرف های من سری تکان خواهند داد .

بهداد: چطور شد که بعنوان برترین مؤلف جوان کشور انتخاب شدید و چه احساسی دارید ؟

از طرف سازمان آموزش و پرورش هرمزگان آثار من برای داوری به وزارت آموزش وپرورش فرستاده شد و در آنجا پس از گذشتن از فیلتر های مختلف آثار من چون جنبه ی پژوهش داشت از بین ۳۵۰ اثر ارسال شده از سراسرکشور، به عنوان آثار برتر انتخاب شد و من نیز مؤلف برتر جوان کشور اعلام شدم .

بسیار خوشحال شدم که در آن روز که استان های زیادی همچون اصفهان ، قم ، شیراز ، ... حضور داشتند تنها اسم من از استان هرمزگان، در سالن جهت دریافت لوح سپاس از دست وزیر و معاون رئیس جمهور از طرف مجری برنامه خوانده شد و استان هرمزگان بر خلاف سایر استان ها با دست پر برگشت .

درام نویسان جهان

کارال کئورک پوشنر(۱۸۱۳ـ ۱۸۳۷) karl georg Buchner

بخش دوم

بوشنر که در استراسبورگ بود جهت شرکت در یک مسابقه ی نمایشنامه نویسی، نمایشنامه ی « لئونس ولتا » را نوشت. این در زمره زیباترین کمدی های شاعرانه ادبیات آلمانی محسوب می شود. بالاخره پس از چندین سال زندگی پرماجرا و فعالیت های پیگیر در مبارزات آزادی خواهانه، بوشنر در زوریخ زندگی آرام و منظمی را آغاز کرد. بخشی از اوقاتش را صرف فعالیت های علمی نمود و بخشی دیگر را صرف نوشتن. چند ماه بعد به دوستانش اطلاع داد که سه نمایشنامه را به تازگی به پایان رسانیده است، یکی از نمایشنامه ها به کلی گم شد. دومی نمایشنامه ای است با نام « پتروآرتینو» که حاصل آخرین روزهای زندگی نویسنده است، این اثر را بوشنر ساعاتی پیش از فرا رسیدن مرگ در بستر بیماری به نامزدش سپرد و از او خواست تا این نمایشنامه به دست کس دیگری نیفتد. دخترجوان در طول زندگی خود آن را در اختیار کسی قرارنداد، پس از مرگش نیز تلاش محققان برای یافتن این اثرتاکنون به جایی نرسیده است و سومین اثر نمایشنامه « ویتزک» نام دارد که به فارسی نیز برگردانیده شده است.

نمایشنامه « ویتزک» یکی از نخستین تراژدی هایی است که قهرمان آن از طبقه محرومان و واخوردگان است. او مردی است معمولی که از همه سو توسط نظام اجتماعی که در آن زندگی می کند و او را احاطه کرده است ضربه می خورد. او که زمانی به خدمت سربازی اشتغال داشت، به دنبال کار سرگردان می شود و مانند سنگ های غلتان کف رودخانه در جامعه قل می خورد و ساییده می شود. مدتی بازیچه دست پزشکی تنگ نظر و متعصب قرارمی گیرد و همچون یک موجود آزمایشگاهی با او رفتار می شود. زن جوان او را، افسر بالادستش اغفال می کند. مرد بیچاره در برابر این ظلم و تعدی قادر به واکنشی چاره ساز نیست. در یک سپیده دم و در شرایط روحی بحران زده ای همسرش را که هنوز با عشقی شورانگیز دوست می دارد با ضربه های کارد می کشد و خود را نیز غرق می کند.

بوشنر این اثر را برمبنای زندگی واقعی مردی به همین نام نوشت که پس از یک محاکمه جنجالی، طبق رسوم آن زمان در میدان شهر او را با شمشیرگردن زدند. از دست نویس هایی که از بوشنر برجای مانده است چنین استنباط می شود که وی در نظرداشته است پایان نمایشنامه را به جای آنکه ویتزک دست به خودکشی می زند او را به پای میزمحاکمه بکشاند.

آلبان برک، آهنگ ساز اتریشی، براساس نمایشنامه اپرائی تصنیف نمود که درمجموعه ی آثار اجرایی اپراهای جهان جای ویژه ای دارد.

بوشنر نویسنده ای بود انقلابی و پیشتاز، دوره ی نمایشنامه نویسی او هر چند کوتاه ولیکن پربار بود و مصادف با دوره ی اوج ادبیات ایده آلیستی مکتب رمانتیک ها در آلمان است. بوشنر از تاثیر این مکتب و نویسندگان آن چون « گوته» و « شیلر» برکنار ماند و در آثارش به قهرمانان برجسته و حوادث چشمگیر تاریخ اهمیت چندانی نمی دهد، بلکه به تشریح عوالم روحی و روانی انسان ها، همچنین موقعیت های زندگی اجتماعی آن ها به خصوص در میان توده مردم می پردازد. و در این راه به مقام و منزلت اجتماعی انسان توجه چندانی ندارد. برای او صحنه تئاتر پیش از آن که مکانی برای نمایش وقایع استثنایی باشد، آزمایشگاه روح و روان انسان ها است. بوشنر یکی از نویسندگان تئاتر آلمان است که در تجزیه و تحلیل شخصیت های آثارخود بر علم روان شناسی تکیه می کند و قهرمانان آثارش را از میان انسان های ضعیف و پایین اجتماع انتخاب می کند.

از بوشنر داستان کوتاهی به نام « لنتس» برجای مانده است. آثار بوشنر از نقطه نظر ساختمان نمایشی، تازه و بدیع است و در زمان خود قالب متداول تئاتر آن روز را دست خوش تحول نمود. از میان آثار او « لئونس ولنا» نمایشنامه ای است که در سه پرده تنظیم شده، در حالی که نمایشنامه « مرگ دانتون » و « ویتزگ » تقسیم بندی پرده ای را رعایت نمی کند؛ بلکه هرصحنه به صورت تابلویی مجزا زنجیروار پست سرهم قرار می گیرد و به قالب تئاتر داستانی نزدیک می شود. این شیوه ی نگارش بعدها مورد توجه درام نویسان زیادی در سراسرجهان قرارگرفت.

نبوغ بوشنر در طول حیات او ناشناخته ماند و هیچ یک از آثارش در زمان حیات کوتاهش اجرا نشد. اما امروز با گذشت سالیان، انسان معاصر روح خود را در تئاتر او باز می یابد.

چند وچونی در ادبیات کودک

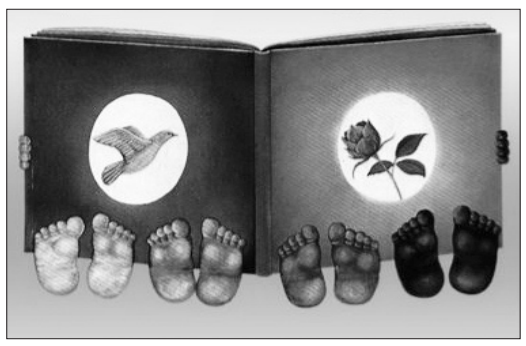

رضا رهگذر

چون که با کودک سر و کارت فتاد
پس زبان کودکی باید گشاد
(مولوی)

یکی از دل نشین ترین انواع قصه ها برای کودکان و نوجوانان ـ در سراسرجهان ـ افسانه ها و قصه های « عامیانه» است؛ تا آنجا که به جرات می توان گفت: تقریبن در تمام کشورها، وقتی تصمیم به تهیه آثاری مکتوب برای بچه ها گرفته اند، اولین گام را در این راه، با بازنویسی همین قصه ها و افسانه های عامیانه برداشته اند.

هم اکنون نیز، پس از سال ها که از پیدایش صنعت چاپ و پدید آمدن قصه نویسانی خاص کودکان و نوجوانان می گذرد، بخش مهم و قابل توجهی از قصه های ویژه کودکان، « بازنویسی»، « بازآفرینی» یا « ملهم» از همین منبع غنی و سرشار است.

اکثریت قریب به اتفاق این قصه ها، به ظاهر، نه قهرمانشان کودک است، نه محور اصلی محتوای آن ها روی مسایل خاص کودکان و نوجوانان قائل هستند یا دارا می باشند، اما، هم بچه ها و هم بزرگ ترها آنها را می خوانند یا می شنوند و لذت می برند.

در ادبیات امروزین نیز رمان ها و داستان های زیادی وجود دارد که نه نویسندگان آن ها با روحیات و تمایلات و استعدادهای کودکان آشنایی داشته اند، نه آن آثار خویش را به قصد بهره گیری کودکان و نوجوانان نوشته اند و نه از نظر معیارهای مطرح شده، آن آثار در چارچوب ادبیات کودکان و نوجوانان نوشته اند و نه از نظر معیارهای مطرح شده، آن آثار در چارچوب ادبیات کودکان و نوجوانان می گنجد، اما به علت استقبال خاص این گروه از آن کتاب ها، آثار مذکور در حیطه ی مطالب خواندنی کودکان و نوجوانان پذیرفته شده و مورد استفاده قرار می گیرد.

از این قبیل نوشته ها، تقریبن کلیه آثار « ژول ورن» نویسنده مشهور فرانسوی ـ و کتاب هایی چون « دون کیشوت » اثر « سروانتس»، بسیاری از قصه های« آندرسن»، « سفرهای گالیور» اثر« جوناتان سویفت» ، « روبنسن کروزوئه» نوشته« دانیل دوفو» و ... را می توان نام برد.

این مسئله از آن جا مایه می گیرد که بین یک ادبیات خوب مناسب بزرگسالان و ادبیاتی که خاص کودکان و نوجوانان است، وجوه اشتراک قابل توجهی هست (همچنان که نمی توان منکر وجوه افتراق قابل توجه آن ها نیز شد)

به این معنی که ادبیات کودکان، نباید از نظرویژگی های کیفی (عناصری که آن را به عنوان یک هنر، از مقولات غیرهنری متمایز می سازد) در حدی پایین تر از ادبیات خاص بزرگسالان باشد. زیرا « ادبیات خوب و با ارزش، مثل یک هدیه است. شاید کلمه هدیه درست نباشد و بهتر است بگوییم مثل جواهری از گنجینه ی جواهرات است که نه کوچک شده است و نه چون دست بچه ها می رود، می توان بدلی باشد»

در مورد قصه نیز، برای یک قصه خوب ـ به طور عام ـ ویژگی هایی را بر می شمارند که مشابه آن، برای کودکان و نوجوانان ـ با تفاوت هایی که اقتضای سن و سال و حوصله ی آن ها است ـ صادق می باشد و نمی توان به عذر آن که کار برای کودکان است، کیفیت هنری آن را سرسری گرفت.

به عبارت دیگر، کسی که برای کودکان قصه می نویسد، باید بتواند به قوت یک نویسنده ی بزرگسالان، برای بزرگ ترها نیز قصه بنویسد. به قولی:« کودکان ساده اند، اما ابله نیستند. کودکان بی تجربه اند، اما نباید فریب شان داد.

نخستین پیل الکتریکی

سرزمین ایران خاستگاه فرهنگ و فرهیختگی است. سومریان و شوشیان (خوزستانیان) که از پیش قراولان کوچ بزرگ نژاد آریایی بوده اند از نزدیک هزاره ی چهارم پیش از میلاد (بیش از ۶۰۰۰ سال پیش) در میان رودان که امروزه عراق نامیده می شود جایگزین شدند و از همان آغاز دست به آفرینش فرهنگ و مدنیت بر روی کره زمین زدند.

شاپور ساسانی در سنگ نوشته ی خود بر دیوار کعبه ی زرتشت درباره ی دو نیروی مثبت و منفی، الکترون و پرتون یا همان انگرمینو و سپنتامینوی اوستا چنین آورده است: در جهان دو نیرو است از یک جنس و متضاد. یکی دیگری را به سوی خود می کشد، اما آن یکی از او می گریزد. یکی نسبت به دیگری دارای ثبات است، اما دیگری دارای حرکت؛ بر اثرهمین دو نیرو است که ماه به گرد زمین و زمین به گرد خورشید در گردش است.

این گواهی است بر دانش ایرانیان و هندیان باستان درباره ی اتم و جریان الکتریسیته که در یادمان های باستانی آنان برای ما به یادگار گذاشته شده است. یکی از این یادمان ها که دست آورد دانش والای سومریان یا ایرانیان غربی است، پیل الکتریکی است. پدیده ای که چند هزار سال بعد در اروپا شناخته شد.

سومریان (مردم باستانی بین النهرین) نزدیک به صدسال است که مایه ی بهت و شگفتی باستان شناسان را فراهم ساخته اند. در کاوش های باستان شناختی در یک روستای پارتی در نزدیکی بغداد، باستان شناسان در کنار سه گل نوشته یا نوشته های شگفت انگیز، یک قوه ی کهربایی (باتری) نیز یافته اند. این یافته آشکارا نشان می دهد که پزشکان سومری هزاران سال پیش از پیدایش جریان برق به دست گالوانی (۱۷۹۸ ـ ۱۷۳۷) و ولتا (۱۸۲۷ ـ ۱۷۴۵) گونه ای روش کهربا درمانی (درمان با برق) را به کار می برده اند.

این قوه که در روزگاران پیش از میلاد مسیح به کارگرفته می شده، سفالینه ای است دارای یک استوانه ی مسی به درازی ده سانتیمتر و قطر ۲/۳ که پایین آن با یک گرده ی مسی بسته شده بود و از لبه ها نیز با آلیاژی از قلع و سرب لحیم شده بود. درون استوانه، میله ای آهنین چنان جای داده شده بود که به استوانه ی مسی برخورد نکند. این میله ی آهنی، در بالا با پوششی از قیرنگه داشته و عایق شده بود. با بازسازی نمونه ای از این قوه که به تازگی در موزه ی سومر شهر هیلدسهایم آلمان انجام گرفته است دانشمندان توانستند شدت جریانی برابر ۰/۵ تا یک ولت از آن به دست آورند. آنان پذیرفته اند که دست ساخته های طلایی و نقره ای سومری به این روش آبکاری شده بود. زیوری که باید آبکاری می شد را در قطب منفی و طلا یا نقره را در قطب مثبت می گذاشتند. گوهر از قطب مثبت کنده شده، در قطب منفی روی شئی می نشست. آن چه که مایه ی شگفتی است این است که مردم روزگار باستان به انجام هرکاری توانایی داشته اند و تنها می توانیم حدس بزنیم که پزشک زبردست سومری چگونه با جریان برق، برای درمان، دست به جادوگری می زده است.

وا شِمام!

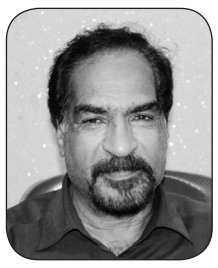

حسین پاسلار

من هم وقتی کوچک بودم خیلی کارها می کردم ـ اذیت می کردم ـ خراب کاری می کردم و ... می کردم ولی گفتم، آن وقت کوچک بودم و عقلم نمی رسید.

حالا که بزرگ شده ام خیلی از آن کارها را نمی کنم. حالا دیگه بزرگ شده ام و عقلم می رسد. اذیت و خرابکاری و ... نمی کنم. تعجب می کنم، بعضی ها هنوز هم دست از خرابکاری بر نمی دارند. با اینکه سنی ازشان گذشته بازهم اذیت می کنند ـ خدا مرا ببخش که پست سرشان حرف می زنم مثل اینکه اذیت کردن توی ذاتشان است!

نه، پشت سرشان نیست، پیش رویشان است

پیش روی بعضی از دستگاه های خدمت رسان، آنهایی که می خواهند کارکنند ولی کارشان بی برنامه و بدون هماهنگی است. هنوزگرمی اسفالت بعضی از خیابان ها و کوچه ها تمام نشده و حقوق پیمانکار این خدمت پرداخت نشده خدمتکار بعدی برای خدمتی دیگر دم و دستگاه کندن را پهن کرده.

ترا خدا این چه کاری است که اینها می کنند؟ مگر عقلشان نمی رسد؟ ماشاا... همه دیگه بزرگ شده اند دنبال برنامه بیست، سی ساله هستند! چطور نمی توانند برنامه چند ساله و چند ماهه تنظیم کنند گر چه این کارها همه خدمت است ولی نباید با خدمت خود اجر دیگری را ضایع کنند.

برشهرداری تکلیف و مشق است که قبل از درست کردن هرکوچه و خیابانی به خدمتگزاران کندوکاو اعلام کند که برنامه های خدماتی خود را تهیه، تنظیم و اجرا نمایند چرا که پس از فروش به هیچ عنوان تعویض و یا پس گرفته نمی شود.

انشاا...

بریتانیا و خلیج فارس

معرفی کتاب

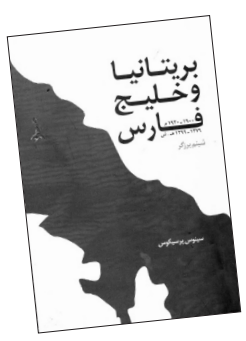

کتاب « بریتانیا و خلیج فارس» تالیف شبنم برزگر، به روی داده‌ای حضور انگلیسی ها در مقطع زمانی سال های ۱۹۰۰ تا ۱۹۲۰ میلادی (۱۲۷۹ تا ۱۲۹۹ خورشیدی) در خلیج فارس می پردازد. ناشر این اثر، پردیس دانش است و طرح روی جلد آن کار مصطفی شریفی می باشد. کار چاپ و صحافی نیز در پردیس دانش انجام گرفته با صفحه آرایی مریم درخشان با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه و بهای ۵۰۰۰ تومان در ۳۲۲ صفحه و قطع وزیری.

چاپ نخست کتاب زمستان ۱۳۸۸ بوده است.

« بریتانیا و خلیج فارس »با مقدمه ای از مولف (شبنم برزگر) که متود ۱۳۴۶ خورشیدی است آغاز می شود و درباره ی منابع مورد استفاده خود می نویسد:

« شالوده این تحقیق بر اسناد وزارت امورخارجه استوار است بنابراین ضروری است تانکاتی چند درباره ی این اسناد عنوان گردد. براهل تحقیق پوشیده نیست که دسترسی به اسناد وزارت امورخارجه بسیار پرزحمت و وقت گیر است. برای سهولت امر و برای بررسی اسناد یک محدوده زمانی ما بین سال های ۱۳۰۵ تا ۱۳۴۰ قمری در نظرگرفته شد.... »

مولف از اسناد مکاتبات و تلگراف های سفارت بریتانیا در تهران و سفارت ایران در لندن و دیگر جاها استفاده کرده است. گزیده اسناد خلیج فارس در ۵ مجلد به کوشش مینا ظهیرنژاد و کتاب تحولات صفحات جنوبی ایران، اثر دکترمحمدباقروثوقی، مورد استفاده بوده.

منابع کتابی مورد بهره برداری این کتاب نیز شامل: آثارسدید السلطنه کبابی، فارسنامه ناصری،فارس و جنگ بین الملل، ایران در جنگ بزرگ، تاریخ مختصراحزاب، حیات یحیی، تاریخ انقلاب مشروطیت، خاطرات و اسنادحسین قلی خان مافی، خاطرات و خطرات و روزنامه هایی چون (روزنامه مظفری، روزنامه جنوب) مجله تقدم و کتاب های متعددی از زبان های خارجی کتاب هایی به زبان عربی و ده ها مورد دیگر می باشند.

کتاب « بریتانیا و خلیج فارس»سه بخش دارد، بخش اول با عنوان: بریتانیا و قدرت های بین المللی در خلیج فارس، شامل (پیشینه ی حضور قدرت های اروپایی در خلیج فارس مانند روسیه، فرانسه، آلمان و بریتانیا)

بخش دوم با عنوان: بریتانیا و قدرت های محلی خلیج فارس چون (عمان، کویت، بحرین) بخش سوم کتاب با عنوان: برتیانیا و قدرت های منطقه ای خلیج فارس، مانند (آل سعود و عثمانی). در این بخش سرفصل هایی دارد چون: موقعیت سیاسی و اقتصادی بنادر و جزایر ایران و اهمیت آن ، استخراج نفت و صدور آن، اعطای تابعیت بریتانیا به اتباع ایران و نقش آقا بدر، بریتانیا و مسئله ی تامین امنیت بنادر و مسیرهای تجاری جنوب ایران، جنگ جهانی اول، تشکیل پلیس جنوب و موارد بسیار دیگر که خواننده را از اهمیت خلیج فارس در تمامی دوران آگاه می سازد.

مطالعه آن را توصیه می کنیم به ویژه برای هرمزگان پژوهان.

حضورفرهنگ و تمدن ایران درجهان

ایران و آسیای مرکزی

سرزمین های آسیای مرکزی به معنای حکومتی، و سیاسی، روزگاری جزیی از ایران بوده اند و اینک به معنای فرهنگی و تمدنی، در قلمرو جهان ایرانی قرار دارند. مردمان آن منطقه به لحاظ زبانی و فرهنگی همواره اشتراکات بسیاری با « کلیت ایرانی» داشته اند. در همین سرزمین ها، قرن ها پیش از فروریختگی اتحاد جماهیرشوروی سابق و استقلال یافتن آن ها، شاعرانی پارسی گوی چون رودکی سمرقندی، ناصربخارایی، صابر ترمزی، کسایی مروزی، اثیرالدین اخسیکتی، کمال خجندی و ده ها تن دیگر داریم که بر روی هم از پدید آورندگان شعر فارسی هستند. شاعرانی از آن دریا (بلخ) برخاسته اند که از غرب ایران زمین (آسیای صغیر) جهان را با اندیشه های بزرگ و فضیلت مندانه خود آشنا کرده اند. آنان چون مولوی به همان سان عواطف هنرمندانه ی خود را در قونیه نشان داده اند که دیگر شاعران در ماوراء النهر نشان می دادند. همچنین باید از امیرعلی شیرنوایی یاد کرد که به ف ارسی بهترین اشعار را سروده است و همزمان برای برادارن همزبان خود به ترکی اشعاری سروده و همین امر ازبکان و تاجیکان را برخوردار از یک چشمه ی زلال « همدلی» کرده است.

تاریخ روابط و پیوستگی مردمان این منطقه با ایران تا به دان حد است که نام ها و نشان ها، هنجارها، غذاها، پوشش ها و آیین های مذهبی هر دو طرف شباهت و همانندی های بی سابقه دارند. در وجه معماری، ساخت ساختمان ها و بناهای تاریخی، آثار هنری با سبک شعر و تاریخ نگاری هم این پیوندها و همبستگی ها آشکار است. از منظرسیاسی نیز زمانی این سرزمین ها در حوزه ی فرهنگ سیاسی ایرانی بودند و این کشورها جزو سرزمین های تاریخی ایران بودند.

منطقه آسیای مرکزی، خراسان بزرگ و یا به تعبیر دقیق تر حوزه فرهنگ و تمدن ایرانی یکی از مناطق استراتژیک و مهم جهان است. این منطقه زمانی محل التقای امپراتوری های بزرگ ازبک، صفوی و گورکانی بوده و یک زمانی نیز محل تنازع و منازعه ایران و روسیه تزاری و زمانی آوردگاه اندیشه کمونیسم و سوسیالیسم بوده است. در سال ۱۹۹۱، این منطقه دچار تحول و دگردیسی و مرزبندی های جدید گردید که متعاقب آن کشورهای جدید ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، آذربایجان، قزاقستان و ارمنستان در صحنه ی جغرافیای سیاسی جهان آشکار شدند. بررسی های تاریخی و فرهنگی حکایت گر آن است که دین، زمین، فرهنگ و سرمایه های علمی و فرهنگی مردمان این کشورها ریشه در فرهنگ، تمدن و زبان های ایرانی دارد. به دلیل حوادث متعاقب قراردادهای ترکمانچای و گلستان، این منطقه از پیکره فرهنگ و تمدن ایران گسست. پس از سال ها تلاش برای تغییر بافت فرهنگی و باورها و ارزش های مردمان این سرزمین ها، اینک واقعیات فرهنگی ـ اجتماعی و زبانی این کشور ها نشان می دهد که علیرغم جدایی و تلاش گسترده کشور پشت پرده آهنین و دولت کشورها شوراها، هنوز هم بنیان و اساس فرهنگ و تمدن و زبان های مردمان این مناطق سرچشمه از فرهنگ ایرانی است و این فرهنگ در ذهن و زبان و عناصرهویتی و تمدنی آنجا حضوری قدرتمند دارد. در همان حال عوامل پیوند دهنده و عناصر مقوم هویت، فرهنگ و تمدن و سنت های ملی و قومی مردمان این خطه در سال ها پس از استقلال این کشور موضوع گفت و گوها و مباحث پردامنه ی بین پژوهشگران آسیای مرکزی بوده است.

زبان شیرین پارسی که امروزه بدان سخن می گوییم یکی از چند لهجه یا شاخه ی قدیمی است که در ایران زمین از بین النهرین و کنار اروندرود (دجله) تا کاشغر و مرز تبت و پنجاب و هند و قفقاز بدان سخن می گفته اند.

رویداد

شهریور ماه

● روزپزشک

شیخ الرئیس ابوعلی سینا (۴۲۸ـ ۳۷۰هـ .ق) در افشنه از دهکده های بخارا به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در بخارا شروع کرد و در ۱۰ سالگی قرآن و علوم ادب را فراگرفت. سپس به تحصیل فلسفه، فقه، هندسه ، منطق، طبیعیات، الهیات و طب پرداخت و در ۱۶ سالگی از تمامی استادان خود بی نیاز شد. ابوعلی سینا نه تنها برای تمدن ایرانی و اسلامی بلکه چهره ای تابناک در تاریخ تمدن جهان به شمار می رود. در ایران اول شهریورماه سالروز تولد ابن سینا طبیب بزرگ ایرانی به پاس زحمات جامعه ی پزشکی، روز پزشک نامگذاری شده است.

● طاق کسری و جنجال جهانی ۱۹۲۳

انتشار یک تمبرپست در عراق در اگوست ۱۹۲۳ با نقش نمای طاق کسری در تیسفون یک جنجال جهانی را به دنبال داشت که موسولینی آن را گسترش می داد و حزب او انگلیسی ها را متهم می کرد که می خواهند « خاورمیانه انگلسی» بسازند و نامش را بمانند «هندوستان انگلیس » بگذارند. در این زمینه از ۲۲ آگوست آن سال یک سمینار مرکب از شرق شناسان و مدرسان جغرافیایی تاریخی در رم تشکیل شده بود که در جلسات آن درباره ی گذشته ی عراق و نیز طاق کسری مفصلن بحث شده بود، از جمله این تلفظ اشکانی تیسفون « تیسپهان بروزن ایسپهان ، سپاهان ـ اصفهان » است و طاق (ایوان) ۲۷*۵۴ متری کسری در دوران ساسانیان، شاهیگان سپید (کاخ سفید) خوانده می شد.

● ارسال خبرکشته شدن ماکان کاکی با کبوترنامه بر

« ماکان کاکی » یکی از سرداران احیای استقلال ایران که برشمال کشور حکومت داشت ۲۱ آگوست ۹۴۰ میلادی (۳۲۹ هـ . ق) در جنگ کشته شد و خبرکشته شدن او به وسیله ی کبوترنامه بر که بر پایش جمله « ماکان کاسمه (ماکان به مانند اسمش شد) یعنی دیگر زنده نیست » را بسته بودند تا سبک باشد به نصرسامانی در بخارا رسانده شد. ماکان و نصر که برای طرد باقیمانده نفوذ عباسیان از ایران تلاش می کردند در عین حال رقیب یکدیگر بودند.